

جمهوری اسلامی و سنگ قبرهای ترکی

مئهران باهارلی

<http://turkce-sindashlari.blogspot.com>



سنگ قبرها و جنگ فرهنگها

جمهوری اسلامی عرصه "زندگی" را بر ترکان ایران تنگ کرده است، اما این همه داستان نیست. دولت قومیت‌گرای فارس جمهوری اسلامی عرصه "مردگی" را هم بر ترکان ساکن در ایران تنگ نموده است! جنگ همه جانبه فرهنگی جمهوری اسلامی بر علیه زبان و فرهنگ ترکی در ایران پس از جشن و عروسی¹، اکنون به اعلامیه های فوت و آگهی های عزاداری و سنگ قبرهای ترکان و آذربایجان نیز رسیده است. اخیرا دامنه تضییقات ضدبشری مقامات و نهادهای فارس‌گرای دولت، به سنگ قبرها و اعلامیه های ترحیم و آگهی های فوت هم گسترانده شده است. امروز مبارزه ای بی صدا بر سر زبان سنگ قبرهای ترکان و آذربایجان، بین ترکان و آذربایجانیان از یک سو و دولت جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر در جریان است:

- 1- سخنگوی کمیته دفاع از زندانیان سیاسی آذربایجان علیرضا جوانبخت می گوید: «دو سال پیش ابلاغیه ای [دولتی] را در شهر اورمیه دیدم که در آن به مراکز تکثیر و انتشار دستور داده شده بود که آگهی های ترحیم و عزاداری را نباید به زبان ترکی منتشر کنند»²
- 2- در اخبار از کنده شدن علامت هلال ماه و ستاره بر مناره های برخی از مساجد آذربایجان (بقعه سید حمزه در تبریز در کنار مقبره الشعرا) خبر داده می شود.

¹ - قبلا واحد نظارت بر اماکن عمومی و واحد اطلاعات نیروی انتظامی در برخی از شهرهای آذربایجان دستور داده بود که:

- کارتهای عروسی ترکان باید به زبان فارسی باشد،
- مردم برای عروسی ها و جشن ها، و گروههای موسیقی ترکی و آذربایجانی - برای حضور در این مراسم باید اجازه و مجوز بگیرند،
- هنرمندان رقص آذربایجانی در مراسمها و کنسرتها حق پوشیدن لباس سنتی آذربایجانی در مراسم را ندارند،
- سرودها و مارشهای ملی آذربایجان در مراسم های عروسی نباید نواخته شود و...

میلی شورا-چهارشنبه 9 آبان- اورمو نیوز: نیروی انتظامی اورمیه در طرحی جدید فشار به گروههای موسیقی آذربایجانی در شهر اورمیه را افزایش داده است. واحد نظارت بر اماکن عمومی و واحد اطلاعات نیروی انتظامی با احضار مسئولین گروههای موسیقی آذربایجانی شهر اورمیه به آنان اعلام کرده است که حق شرکت در مراسم عروسی را ندارند و بعد از اخذ مجوز از نیروی انتظامی می توانند به کار خود ادامه دهند. در این جلسه توجیهی از تمامی گروهها تعهد گرفته شده است که سرودها و مارشهای ملی آذربایجان در مراسم های عروسی نباید نواخته شود، از طرف دیگر کلیه مدیران تالارهای عروسی از راه دادن گروههای موسیقی بی مجوز منع شده اند.

نیما دستان هنرمند رقص آذربایجانی که در موسسه "باریش" اورمیه به فعالیت و آموزش رقص آذربایجانی پرداخته و در مراسمها و کنسرتها شرکت میکند از سوی نیروی انتظامی احضار و شدیداً به وی اخطار داده شده است که دیگر حق پوشیدن لباس سنتی آذربایجانی در مراسمها را ندارد و اگر این رویه ادامه یابد، بازداشت خواهد شد. لازم به ذکر است که در عروسیهای شهر اورمیه سرودهای ملی آذربایجان نواخته شده و هنرمندان رقص آذربایجانی به ایفای هنر می پردازند.

² - <http://toponimler.blogspot.com/2007/09/4-4.html>

۳- در اخبار دیگری از اعمال محدودیت برخی از مقامهای دولتی بر سنگ قبرهای نوشته شده به زبان ترکی سخن می رود.

۴- این همه غیر از تخریب فیزیکی سنگ قبرهای منسوب به ترکان بویژه سنگ قبرهای تاریخی باقیمانده از دوره حاکمیت دولتهای ترک و آذربایجانی بر ایران است که در اثر اهمال سازمانها و نهادهای دولتی (سازمان اوقاف، سازمان میراث فرهنگی، دفتر باستان شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، شهرداریها و ...) گهگاه با آن مواجه می شویم.³

امتحان روضه فارسی، امتحان موعظه فارسی:

محدودیتها بر کاربرد زبان ترکی در اعلامیه های ترجیم و آگهی های فوت و سنگ قبرها و ... که در زمینه پروژه کلان دولت جمهوری اسلامی ایران برای ریشه کن کردن فرهنگ، زبان و هویت ترکی از ایران و بویژه آذربایجان جنوبی اعمال می شوند، تنها بخشی از تضييقهای دولتی اند که ترکان ایران و آذربایجان در زمینه مذهبی و سنن دینی خود معروض به آنهايند. شوونيسم فارس در آذربایجان امکان هر گونه فعاليتهاي فرهنگي و مدني آزادانه خادمان امور دینی ترک و آذربایجانی را غیر ممکن ساخته است. خبر زیر در باره شهر قم آذربایجان است:⁴

۱- تهدید فرهنگیان، شعرا و نویسندگان مذهبی ترک از سوی مقامات و نهادهای دولتی: در طول چند سال گذشته دهها تن از فعالان و شاعران و نویسندگان ترک قم به انحاء مختلف از سوی نهادهای دولتی تهدید شده اند.

۲- ممنوعیت نشر مطالب ترکی در نشریات: نشریات قم طبق دستور رسمی ارشاد، حق نشر مطالب ترکی را ندارند. این در صورتی است که حداقل شصت و پنج درصد جمعیت این شهر مذهبی را تورکها تشکیل می دهند.

۳- مجبور کردن مداحان ترک برای گذراندن امتحان روضه فارسی از طرف اداره ارشاد: ادارات ارشاد برای بیمه کردن مداحان ترک از آنها به زبان فارسی امتحان می گیرد. یعنی مداحان ترک مجبور هستند روضه فارسی بخوانند. برخی از مداحان سرشناس که به روضه فارسی تسلط ندارند از امتحان رد شده اند. سوال اینجاست که

³ - در خبری گفته می شود: میلی شورا: میراث تاریخی تورکان آذربایجان یکی پس از دیگری نابود می شوند. سنگ قبرهای قاچاری کوهدشت تخریب شد. سنگ قبرهای این گورستان تاریخی بودند. روی این سنگ قبرها نقشی از صحنه های شکار، جمعی از زنان، رقص مردان و بسیاری نقوش حیوانی و انسانی دیده می شدند. گورستان تخریب شده طی سالیان دراز و از طریق یک فرهنگ مردمی به وجود آمده بود و نگهداری از آنها بسیار مهم بوده است. این گورستان هرچند ارزش تاریخی نداشت اما دارای ارزش مردم شناسی است.

⁴ - http://qum-az.blogspot.com/2007/07/blog-post_09.html



وقتی مداحی در ایران با زبان تورکی شناخته میشود و بهترین مداح ایران سلیم مودن زاده تورک است، چرا از مداحان تورک مداحی فارسی امتحان گرفته میشود.

۴- مجبور کردن روحانیان ترک برای گذراندن امتحان موعظه فارسی از طرف دفتر تبلیغات اسلامی: دفتر تبلیغات اسلامی نیز همین کار غیرانسانی و استعماری را با روحانیان ترک انجام میدهد و از آنها برای رتبه بندی تبلیغی شان امتحان سخنرانی فارسی میگیرد، به همین دلیل خطبای توانمند تورک حوزه های علمیه از حق واقعی خود در دفتر تبلیغات اسلامی محروم میشوند.

۵- جلوگیری از فعالیت هیاتهای عزاداری ترک: مدیریت حرم حضرت معصومه تا دو سال گذشته از حضور هیاتهای تورک در حرم در ایام مذهبی جلوگیری می کرد که با تلاش هیات مذهبی تورک این امر تا حدودی مرتفع شده است. اما هنوز هم در ایام عزاداری ترکان حق عزاداری در مقابل ایوان آئینه که مراسم های برگزار شده در آن مستقیماً از برخی شبکه تلویزیونی پخش میشود را ندارند.

۶- فشار برای انحلال جامعه مداحان آذربایجانی از طرف اداره اطلاعات: جامعه مداحان آذربایجانی که با همین عنوان در قم در طی ده سال گذشته فعالیت میکرد و به مسائلی از قبیل آموزش مداحی و برگزاری مراسمهای مذهبی می پرداخت، در این اواخر با تشکیل جلساتی به بیمه مداحان و شعرای تورک قم اقدام کرده بود و جلسات مستمری برای سامان دادن امور آنها تشکیل میداد. اما اداره اطلاعات قم از وحدت مداحان و شاعران مذهبی تورک قم در مقابل مداحان و شاعران مذهبی فارسی زبان به خشم آمده است و با احضار سه تن از مداحان و شاعران تورک به اداره اطلاعات خواستار انحلال جمعیت آنان شده است. اداره اطلاعات آنان را مجبور کرده است که به جامعه مداحان فارسی زبان بپیوندند.

جمهوری اسلامی از سنگ قبرهای ترکان چه می خواهد

نخستین دولت فارس تاریخ اخیر ایران، یعنی رژیم پهلوی مصمم به ریشه کن کردن زبان و هویت ترکی از ایران و فارسسازی مطلق ملت ترک ساکن در این کشور بویژه در آذربایجان جنوبی از همه جهات زبانی، مذهبی، فرهنگی و ... بود. محدودیتها و ممنوعیتهایی که بر اعلامیه های ترحیم، آگهی های فوت و سنگ قبرهای ترکی از سوی جمهوری اسلامی ایران اعمال می شود، نیز در ادامه همان سیاست بوده و تماماً در ضدیت با حقوق بشر،

شعائر اسلامی و سنن رایج در تاریخ و گذشته مردمان ساکن در ایران است. در گذشته هیچکدام از دولتهای ترک و آذربایجانی حاکم بر ایران کوچکترین محدودیتی در اینگونه عرصه ها اعمال ننموده اند. حتی در قرن بیستم و تا روی کار آورده شدن دولت استعمار نشانده و کودتائی پهلوی نیز وضعیت به همین منوال بوده است. تا این دوره نه تنها کوچکترین محدودیتی در کاربرد زبان ترکی در آگهیهای فوت و اعلامیه های ترحیم و سنگ قبرها وجود نداشت، بلکه زبان ترکی به عنوان زبانی رسمی و دولتی در این موارد نیز بکار برده می شد. چنانچه تسلیت نامه ی مجلس اول در مرگ مظفرالدین شاه قاجار، در روزنامه ی رسمی مجلس به دو زبان فارسی و ترکی چاپ گردیده است⁵ (در قانون اساسی بعد از انقلاب مشروطیت ۱۹۰۶ زبان رسمی کشور قید نشده بود). اکنون پس از یک صد سال از دوره مشروطیت، در حالیکه اقلیتهای غیرمسلمان ارمنی و ... سنگ قبرها و اعلامیه های ترحیم خود را به زبان ملی شان ارمنی و با خط ارمنی با آزادی کامل می نویسانند، محروم بودن ملل مسلمان غیرفارس ساکن در ایران از نوشتن سنگ قبرها و اعلامیه های ترحیم خود به زبان و خطوط ملی شان، معنائی به جز دشمنی آشکار جمهوری اسلامی با زبان و فرهنگ و ملل مسلمان غیرفارس ساکن در ایران بویژه ترکان و آذربایجانیان ندارد. در دراز مدت، ممنوع کردن آگهی های فوت، اعلامیه های ترحیم و سنگ قبرهای ترکی و تدابیری از این قبیل از سوی جمهوری اسلامی تلاشی برای نابود کردن هویت ترکی در ایران است.

با ممنوع کردن سنگ نوشته های ترکی، یک فرهنگ قتل عام شده از بین برده می شود. در چنین شرایطی است که یک آگهی فوت و یا سنگ قبر معمولی تبدیل به یادمان و سمبول هویتی ارزشمند و حساسی می شود. اجبار به انتشار تسلیت نامه ها و اعلامیه های ترحیم و نوشتن سنگ قبرها به زبان فارسی مانند خود رسمی شدن زبان فارسی بدعتی شوم در تاریخ ایران است و ترکان ایران و آذربایجانیان می باید اعتباری به آنها نکرده، بلکه در مقابل اینگونه بدعتهای ضد انسانی شدیداً مقاومت نمایند. ترکی نویسی آگهی های فوت و اعلامیه های ترحیم و بویژه نوشتن سنگ قبرها به ترکی در کوتاه مدت، بخشی از مقاومت مدنی در مقابل سیاستهای نژادپرستانه فارسی و حرکتی بسیار مهم در پاسداری از وطن آذربایجانی و هویت تاریخی ترکی آن است.⁶

در زیر حکایت یکی از موارد تضییق بر سنگ قبرهای ترکی مربوط به شهر کرج آذربایجان عیناً آورده می شود:

⁵ - دکتر ض. صدر، روزگار نو، شماره ی آذر ۱۳۷۵، ص ۶۸

⁶ - از همین قلم: در ضرورت زدودن گرد و غبار فارسی از چهره تابناک ترکی آذربایجان
<http://www.turkiran.com/bl67-sozumuz1.htm>

برای خواندن مطلبی از همین قلم در باره ضرورت اجرای مراسم دینی شیعیان ترک به زبان ترکی به نوشته زیر مراجعه کنید: تورکلر و گوئی آذربایجان ین دینی توره نلرینین دیلی تورکجه اولمالیدیر.
<http://www.yurd.net/ARTT/2007/01-03.htm>

نخستین سنگ مزاری که در کرج به ترکی حک شد⁷

"هنوز برف می بارید و من با دستان یخ زده ام سنگ قبر وی را از برفها پاک می نمودم. بیگانه نبود مادرم بود. هنوز هم موهای سفید کوتاهش را به خاطر دارم. مادرم هر شب با رادیوی چوبی کهنه گوشه اتاق ور میرفت. او گوشش را به رادیو چسبانده و هر شب اخبار رادیو باکو را گوش می کرد. هنوز نمی فهمیدم که چرا! مادرم هر شب به برنامه های ترکی و اخبار باکو گوش می داد. او به سختی جان داد. آن زمان که مرزهای اهریمنی شوروی در هم فرو ریخت و مقابل چشمان خود در تلویزیون مردم دو آلمان جدا شده را می دیدم که دیوار برلین را می شکستند و مرزهای قراردادی را به ذهن تاریخ می سپردند و ملت ها با اراده و شعور ملی خود تاریخ را ورق زدند. تنها من دو کره و دو آذربایجان را دیدم که ماندند و ماندند. با مردنش بسیار دیر بیدار شدم. سالهایی که ملت ما در فراموشی و سرکوب قرار داشتند. مرده ای در مرگش آغازگر راهی شد.

من برای سنگ مزار وی هر بار سراغ مسئول حراست گورستان می رفتم و او به محض دیدن من همچون مرده ای از پشت میز بلند می شد و می گفت: آقا تو هم شدی مشکل قبرستان ما، سنگ قبر مادر شما چه اهمیتی دارد که به ترکی یا فارسی نوشته شود؟ آدم که مرد، مرده است و برای مرده اهمیتی ندارد که نوشته های سنگ قبرش به ترکی آذربایجانی باشد. به محض این بحث ها من نیز با درد و رنجی صد چندان به مسئول حراست قبرستان جواب میدادم که اگر نوشته فارسی و یا ترکی اهمیتی برای مرده و شما ندارد چرا اجازه حکاکی سنگ قبر به زبان ترکی را نمی دهید. بیش از چهار ماه مزار بدون سنگ رها شده بود. بهار نیز گذشته بود. اما آنچه را می خواستم با اراده و لجاجت تمام بعد از ماهها معطلی به انجام رساندم. و مضامین نوشته های سنگ به ترکی حک شد. اولین نوشته سنگ مزار به زبان ترکی در انتهای حصارک شهر کرج و در قبرستان بهشت سکینه به سال ۱۳۷۷ نوشته شد."

سنگ قبرها، سند مالکیت وطن

اهمیت مزارها تنها به آن نیست که پارچه ای از خاک مقدس وطن که عزیزانمان را به امانت به آن سپرده ایم می باشند. بلکه مزارها در عین حال دلالت بر قوم و ملتی دارند که بر یک سرزمین می زید، مزارها سند مالکیت یک سرزمین اند که بر طبیعت نقش شده اند. برای بدست آوردن هویت ملی هر جمعیت و منطقه و شهری و برای تهیه نقشه دموگرافیک و جمعیت شناسی آنها نگاهی به قبرستانهایشان کافی است. قبرستانها به همراه نامهای محلات و کوچه ها و سمتها و کارونسراها و دیگر ابنیه تاریخی، از مهمترین اسناد و مدارک دال بر هویت ملی شهرها و مناطق اند. از همین رو حفظ قبرستانها و تحویل آنها به نسل بعد، از ضروریات ملتی متمدن بودن است و باز از همین روست که در سرزمینهای اشغالی، نخست اسناد مالکیت کاغذی و سپس سنگ قبرها نابود می شوند.

⁷ - <http://www.35000000.info/habergoruntule.asp?bolum=973>

مشابه این پروژه توسعه طلبانه برای ادعای تملک بر اراضی ترکان و آذربایجان همزمان از سوی ارمنیان و کردان (در کرکوک) نیز در حال اجرا است:



۱- تخریب مزارهای ترکی در کرکوک و دیگر مناطق تورکمان نشین عراق توسط کردان: تمام میراث ترکی مناطق تورکمان نشین عراق، در دوائر رسمی و در قبرستانها تخریب می شوند. پیشمرگه های کرد پس از ورود به کرکوک در سال ۲۰۰۳، در نخستین اقدام ادارات سجل و ثبت اسناد را تخریب و به آتش کشیدند. این اقدام آگاهانه مقدمه ای برای رد تاریخ و بازنویسی آن بود. متعاقب آن و تا به امروز بسیاری از سنگ قبرهایی که دارای نشانی از هویت ترکی مانند سمبل ماه و ستاره و یا نوشته ای به زبان ترکی بوده اند توسط کردها

تخریب گردیده اند. چنانچه امروز در قبرستانهای شهرهای تورکمان ائلی مانند کرکوک- که تا چند سال پیش هر سنگ قبر در آنها دارای سمبول آی اولدوز (ماه ستاره) بود- اثری از آنها باقی نمانده است. این سمبولها که اسنادی از تاریخی طولانی بودند به طور سیستماتیک توسط پیشمرگه های کرد نابود می شوند، تو گوئی که آنها نیز واقف به این حقیقت اند که قبرستانهای ترک موزه های باز و مراکز اسناد ملی طبیعی میباشند. تخریب کنندگان مزارهای ترکی، سنگها با سمبل ماه و ستاره و متون ترکی را در پایه ساختمانها که برای تازه واردین کرد ساخته می شود و یا دیوار باغچه های این خانه ها به عنوان مصالح ساختمانی بکار می برند. و پس از آن برای اینکه به راحتی بتوانند بر این شهر بیش از هزار سال ترک، ادعای مالکیت کنند شروع به نوشتن و نصب سنگ مزارها به زبان کردی می نمایند. در پاسخ به این بازنویسی تاریخ، مجلس مشورتی تورکمان، جایزه ای یک میلیون دلاری برای کسی که یک سنگ مزار به زبان کردی مربوط به پنجاه سال قبل از کرکوک بیاورد تعیین کرده است.

۲: دفن صلیب توسط آرامنه در گورهای خدافرین و قره داغ آذربایجان: بنا به خبر خبرگزاری میلی شورا، در حال حاضر هیچ ارمنی ای در مناطق خدافرین و قره داغ آذربایجان جنوبی زندگی نمی کند. آرامنه مقیم این منطقه در سالهای گذشته بویژه پس از تاسیس جمهوری اسلامی به میل خود از خدافرین و قره داغ خارج شده اند. اما به رغم این موضوع، برخی از آرامنه جمهوری ارمنستان با عبور از رود ارس، صلیبهای کوچکی را در قبرهای رها شده منطقه اعم از مسلمان و غیر مسلمان دفن می کنند. بومیان منطقه معتقدند آرامنه با این اقدام قصد تاریخ سازی و متعاقب آن ادعای مالکیت ارضی برای خود دارند. چنانچه یک ارمنی مقیم اصفهان فارسستان، اخیرا مدعی مالکیت اراضی صفر مرزی در ناحیه خدافرین آذربایجان شده است! وی با سفر به منطقه خدافرین مدعی شده که اراضی مجاور پلهای حسرت و همچنین سد خدافرین از قدیم به خانواده وی تعلق داشته است. ادعاهای وی سبب ایجاد واکنش شدید مردم منطقه شده است.

انعکاس فارسسازی دولتی در سنگ مزارهای ترکان و آذربایجانیان

مقامات جمهوری اسلامی با اشاره به این که امروزه عملاً زبان نوشتاری ترکان و آذربایجانیان فارسی است و اینکه نوشته های سنگ قبرهای بسیاری از ترکان و آذربایجانیان نیز به فارسی است، به این نتیجه می رسند که در میان ترک زبانان ایران و سرزمین آذربایجان چیزی از فرهنگ ترکی وجود ندارد، فرهنگ ترکی فرهنگی بیگانه برای ترک زبانان و آذربایجانیان است و زبان فرهنگی و اصلی ترکان، فارسی است. آنها ادعا می کنند در میان آذربایجانیان و دیگر ترکان ایران، سنت انتشار اعلامیه های ترحیم و نوشتن سنگ قبرها به زبان ترکی وجود ندارد. چنانچه منصور حمیدی، مسئول واحد هنرهای سنتی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان آذربایجان شرقی، ادعا نموده است: "آذربایجانی ها تنها در حرف زدن است که از زبان ترکی استفاده می کنند، آذربایجانی ها بیشتر از زبان فارسی برای نگارش استفاده می کنند. حتی زن و شوهرها برای نوشتن یادداشت برای هم از زبان فارسی استفاده می کنند. زمانی برخی از مردم شهر قصد داشتند با انتشار اعلامیه هایی به زبان ترکی زبان رسمی اعلامیه ها را عوض کنند. اما این اتفاق نیفتاد."

آنچه که این مقامات به عمد از ذکر آن خودداری می کنند این است که فارسی نویسی ترکان کلاً معلول سیاستهای استعماری دولت ایران در تحمیل زبان قوم فارس بر ترکان و ریشه کن کردن زبان و فرهنگ ترکی از ایران است. عدم استفاده از زبان ملی ترکان و آذربایجانیان در عرصه های شخصی و اجتماعی، صرفاً نتیجه محروم نگاه داشته شدن این ملت از حق تعلیم و تعلم به زبان ملی خود ترکی و از طرف دیگر اعمال محدودیتها و تضييقها بر کسانی است که اقدام به استفاده از زبان ترکی در این عرصه ها می کنند است. این سیاستهای استعماری متأسفانه آثار تخریبی خود را در همه عرصه های اجتماعی از جمله در آگهی های فوت، اعلامیه های ترحیم و نوشته های سنگ قبرها نیز نشان می دهد. سنگ مزارها علاوه بر آنکه با گذشت زمان و جنگها ماداً از بین می روند، با تغییر زبان آنها نیز معنا نابود می شوند. این آن اتفاقی است که در ایران روی می دهد و در نتیجه این روند شوم است که هر روز که می گذرد سنگ مزارهای ترکان کمی بیشتر از گذشته و هویت ملی خلق ترک دورتر می شوند.

سنگ مزارها علاوه بر آنکه نشانی (بللیک) از صاحب مزارند، سندی در باره حوادث اجتماعی نیز می باشند. با بررسی این اسناد می توان در باره برخی از حوادث گذشته و یا حاضر وقوف یافت. چنانچه با بررسی سنگ قبرهای ترکان ایران می توان به روند شتابان فارس شوندگی ترکان (در دوره های پهلوی و جمهوری اسلامی) و هویت زدائی و ترک زدائی از صحنه ایران پی برد و آثار گذار از حاکمیت سیاسی ترکان به فارسها در ایران را به روشنی دید. عمده ترین این آثار، عدم کاربرد زبان ترکی در نوشته های سنگ مزارهاست. امروز کسی که به قبرستانهای آذربایجان جنوبی و دیگر نقاط ترک نشین ایران مراجعه کند به سختی می تواند سرنخی بدست آورد که نشان از تعلق آنها به سرزمین و ملتی ترک باشند. قبرستانهای ما بیش از خود ما، حال و هوای همسایه مان یعنی قوم فارس را پیدا کرده اند.



این وضعیت ناخوشایند، منحصر به عوام الناس که به همه حال از حق تعلیم و تعلم به زبان ترکی محروم مانده اند نیست، بلکه سنگ قبر بسیاری از بزرگان ترک و آذربایجانی که عمر خود را در راه اعتلای حقوق ملی و فرهنگی ملت ترک صرف کرده اند نیز با کمال تعجب و تاسف به زبان فارسی است. مثلاً سنگ مزارهای فریدون ابراهیمی، صمد بهرنگی، شیخ محمد خیابانی، ستارخان، مرضیه اوسکوئی، رشیده، کلنل پسیان، صفرخان، غلامحسین ساعدی، حتی پرفسور زهتابی (عکس مقابل) همه و همه به زبان تحمیلی و استعماری قوم همسایه و برتری طلب فارس است. این، وضعیتی به معنی دقیق کلمه شرم آور است.

قورقان، بالبال و تیکیلی داش در میان ترکان باستان

قورقان:

کلمه قورقان، قورخان، گورکان، کورقان، قوروقان، Kurgan, Korgan, Korqan, Kurqan, کلمه Kurghan ای ترکی به معنی تپه ای کوچک که از انباشتن خاک بر سر مزار به وجود آید، تپه مصنوعی مزار که از انباشتن خاک و یا سنگ بر روی مزار بوجود می آید است. (از بن مصدر قورماق بعلاّه پسوند مکان - قان، مانند یورقان، آیشقان، اؤرکه ن، یارقان). این کلمه از زبان ترکی به روسی و از آنجا به انگلیسی وارد شده است. قورقان در زبان ترکی اصلاً به معنی قلعه، استحکامات، برج و بارو، شهر، جائی که محافظت شود، بنای یادبود، آرامگاه و مقبره، تومسه ک، هؤیوک، تیکمه داش، تربه، قبه شخص مرده، و بعدها به معنی دیوار و قلعه هایی که برای حفاظت از سواره دشمن ایجاد شده، حصار مزار، آغل گوسفندان و... بکار رفته است. (در ترکی قیپچاق: قورقان ائو= مزار)، معادل لاتینی آن تومولوس Tumulüs است. قورقان به منظور مشخص کردن محل دفن معمولاً در تپه های کوهها درست می شده است. در زیر قورقان، جسد متوفی در یک گودال و یا اتاق چوبی گذاشته می شد. اتاق مزار در قورقانها مربع، مستطیل و یا بیضی شکل بود. جسدها در قورقانها همراه با اشیا حتی اسبهایشان و معمولاً رو به شرق دفن می شده اند. در فرهنگ ترکان قدیم کسانی که مزارها را تخریب می کردند به شدیدترین وجهی مجازات می شدند.

قورقانها در سیبری، آسیای میانه، روسیه، آذربایجان، ایران، آناتولی، بالکان، اروپای شرقی و مکزیک دیده شده اند. در ایران قورقانها تقریباً منحصرراً در اراضی آذربایجان جنوبی (تیکان تپه، نمین، تالش،...) دیده می شوند. نخستین نمونه های آن مربوط به هزاره چهارم قبل از میلاد در آوراسیا در صحاری جنوب روسیه بوده که بعدها به دانوب، اروپای شمالی و شمال ایران در حدود ۳۵۰۰ قبل از میلاد گسترش یافته است. سنت قورقان سازی بویژه در میان تورکان و مونقوله های شامانیست که آنرا اوبا می نامیده اند مرسوم و بویژه در دوره تورکان هون در آسیای میانه توسعه یافته است. نمونه های مهم قورقانهای تورکی، ائسیک قورقان دارای شخصی با لباسهای طلائی و پازیریک قورقان که دارای نخستین نمونه های قالی تورکی است می باشد.

بالبال:



نوعی از اوبتلیکسهای قورقان از سنگ و یا رس، مجسمه‌ی انسانی و سنگی آیینی که در اطراف بعضی از قورقانه‌ها به عنوان یادبود متوفی نصب شده و سمبل انسان بوده است. ترکان باستان به این سنگ‌ها بالبال می‌گفته‌اند. در گذشته بالبالها قهرمانیهای ترکان باستان را نشان می‌داده‌اند، امروز نیز فلسفه حیات، احساسات و تفکرات و جهانبینی، و باورهای ملت ترک را منعکس می‌کنند. در آسیای میانه تورکان باستانی بویژه گروه‌هایی که بر دین شامانی بوده‌اند مانند قوم‌ها (قییچاق)، بالبالها را به شکل فیگورهای جنگ آوران در اطراف تپه مزار (قورقان) رزمندگان فوت کرده نصب می‌کرده‌اند. بالبالها شخصیت و قهرمانیهای متوفی و یا دشمنانی که رزمنده مذکور آنها را به قتل رسانده بود را تمثیل کرده و به تعداد آنها بودند. تورکهای اوغوز نعش متوفی را در گودالی اتاق مانند گذاشته و به

یک دست آن قدحی چوبی پر از شراب می‌داده‌اند. در درون تابوت نیز شراب را در ظرفی بسیار بزرگتر قرار می‌دادند. این سنت در بالبالها هم ادامه یافته است. بالبالها عموماً به شکل جنگ‌آوری است که در دست چپ شمشیر و در دست بالا آورده راست خود قدحی شراب دارد. به اعتقاد تورکان قدیم بالبالها خدمتکاران متوفی بوده و در بهشت در خدمت او خواهند بود. گاهی اوقات نیز بالبالها به یادبود دشمنانی که در جنگ کشته شده بودند برافراشته می‌شده‌اند.

کلمه بالبال تورکی دارای ریشه اورال-آلتائی است. (باریمال در مونقولی؛ پلبو در تونقوس-مانچو؛ پانیوا، پانیپائی، پانیمما در ژاپنی؛ بالوانی در مجاری و همه به همین معنی). مصدر باری در زبان مونقولی به معنی ساختن بنا و ریشه پانی در ژاپنی به معنی خاک رس است. احتمالاً کلمه بالبال با کلمات ترکی بالیق-پالیق (شهر، کلان شهر)، پالچیق (گل)، بالتاق (گل و لجن)، بالکان - بلقان - بالقان (سلسله کوههای جنگلی، تپه غلطان شنی)، بالقانلیق (منطقه ناهموار)، بالاقان (سنگ، صخره)، بالخاش-بلخاس (نام دریاچه و شهر) هم‌ریشه است. این کلمه به شکل بولوان به روسی قدیم وارد شده است.

بالغ (بالیق، بالیغ، بالغ، بالق، پالیق، بلق و بالوق) واژه ترکی به معنی شهر، ده، خانه و قلعه و کاخ، مجتمع خانه‌ها و در جغتایی به معنی «شهری که اطرافش را دیوارهایی محصور کرده باشد» است. پالیق-بالیق در ترکی مدرن معادل کلان شهر است. این کلمه تنها یا به صورت ترکیبی در اسامی شهرها و اماکن به کار رفته است. بالیق در کتیبه‌های اورخون (قرن دوم) و نوشته‌های اویغوری استعمال شده و از واژه‌های کهن و اصیل تورکی است. محمود کاشغری در دیوان لغات التترک بعد از قید بالق به معنی کاخ و شهر و بالیقاندی - به معنی «در جایی قلعه ساخته شد» - تصریح می‌کند که این عنوان مخصوص اویغورها - ترکان شهرنشین و دارای تمدنی پیشرفته - بوده است. بالق به صورت ترکیبی هم در اسامی شهرها و اماکن دیده می‌شود: مثلاً در کتیبه‌های اورخون به صورت

بیش، بئش بالق (در ترکستان چین)، چن بالق، ینی بالق، خان بالق (شهرخان، شهرهای قره قروم و پکن مدت زمانی به این نام خوانده می شدند)، ایلی بالق (در ساحل رود ایلی)، اوردو پالیق، بای پالیق،.... معادل بالیق در مغولی بالاقا؛ بالقاهان-بالقان (بوریات)؛ بالقا-بالاق (داگور)؛ در تونگوزی-منچوری پالوقا؛ در ژاپنی پایی؛ فرم آلتائی اولیه آن پییلاق؛ بییلاق (ترکی قدیم)؛ چوواشی (پولتر)؛ پالوق (ساری یوغور)؛ بالوق (خلج) است. واژه بالک (بالق) به زبان برخی از مردم ارغو (ساکنان نواحی میان طراز و بلاساغون) به معنای گِل و لجن نیز آمده است. واژه بالق با کلمه پالچیق، بالچق به معنی گل هم نسبت دارد. مشابه این دگرگونی معنایی را در کلمه ترکی دیگر توی می توان دید که هم به معنای گل است و هم به معنای قرارگاه و در نوشته های اویغوری به معنی شهر نیز به کار رفته است. این تحول معنایی با ملاحظه ساختمانهای گلی شهرها طبیعی می نماید. بالیق احتمالاً هم‌ریشه با اسم بالکان (شبه جزیره بالکان) نیز می باشد. در زبان ترکی این نام به صورت بالقان و بلقان آمده که به معنای رشته کوه است. ترکان منطقه ناهموار را بالقانلیق می نامند. کلمه بالیق، با نام شهر بلاساغون- بلاساقون - بلاساکن - بلاغاسون (شهر خاقان ترک، ولایت خاقان ترکش، مدینه خاقان الترشی) که با نامهای غز اردو، غز اولوش و غز بالیغ نیز شناخته شده مرتبط است. اگر جزء آخر بلاغاسون یعنی کلمه سین به معنای قبر و شهر گرفته شود، این کلمه به صورت بالقاسین و یا بالیق سین قابل توضیح است. جزء دوم قره بالقاسون پایتخت اویغوری در کنار رودخانه اورخون و نام بالقاس در صحرای قزاق احتمال دارد که با بلاساقان پایتخت تورکان هون که به قفقاز جنوبی مهاجرت کرده اند یکی باشد.

تیکیلی داش:

تیکیلی داش، سنگ ستون با قاعده دایره ای و یا چهارضلعی که به طرف بالا نازک می شود است که به یادبود شخصیت و یا حادثه خاصی ساخته شده است. در زبانهای اروپائی به نوع کلاسیک آن اوبلیسک Obelisk و به نوع غیر کلاسیک آن ستل Stel گفته شده است.

قدیمی ترین نمونه های ادبیات ترک، نوشته های سنگ مزارها است

سنگ قبرها در عین حال نمونه زیبایی از محصولات زبانی و خزینه ای پر بها برای زبان‌شناسان، تاریخ‌نگاران، فولکلورشناسان، عالمان فلسفه و ادیبانند. در ادبیات تورک نیز قدیمی ترین نمونه ها عبارت از نوشته های سنگ مزارها است:

۱- سنگ مزارهای گوک تورک: در اواسط قرن ششم میلادی دولتی بزرگ در آسیای میانه ظهور کرد. طایفه حاکم این دولت «تورک» نام داشت و این نام بعدها به قلمرو بزرگی اطلاق شد که بسرعت گسترش یافت. از فرمانروایان این قوم اولین متون منسجم در فرم کتیبه های سنگ مزار به گویشی از تورکی کهن به جا مانده است. این کتیبه های سنگ مزار، نخستین مأخذ شناخته شده اند که در آن کلمه تورک بارها به عنوان نام جمعی از مردمان به کار رفته و بهترین تحقیق جامع در باره همه آنچه از زبان تورکی تا امروز بازمانده می باشند. کتیبه

های مذکور که به سده های هفتم - دهم تعلق دارند با پیشینه های جغرافیایی - سیاسی گوناگون کهنترین اسناد زبان تورکی اند. بعضی از آنها بویژه کتیبه های طولانی و منسجم اورخون امکان تجزیه و تحلیل در جزئیات ساختاری زبان تورکی را فراهم می کنند. سنگنبشته های اورخون در دو حوضه رودهای اورخون و تالاس و ینی سئی قرار دارد که شامل چند سنگ قبر از جمله سنگ قبر کول تگین (731) و بیلگه قاغان / خاقان (734) می باشد. این متون اغلب به خطی مشهور به رونی و یا رونی شکل نوشته شده اند.

۲- سنگ مزارهای تورکان باستانی بولقار: تورکهای باستان در اروپای شرقی در مثلث جغرافیایی گسترده ای شامل نواحی پونتیک (جنوب شرقی دریای سیاه)، ولگا و بالکان مستقر شده بودند که بلغارها (بولقارها) نمونه ای از آنانند. بلغارها یکی از اقوام اوغوری اند که از قرن پنجم تا هفتم میلادی در منطقه پونتیک به سر می بردند و بعدها در قرن هفتم به شمال شرق بالکان نزدیک رودخانه دانوب و در تاریخی نامعلوم به ولگا کوچ کردند. زبان بلغارهای شمال شرق بالکان، تورکی بلغاری دانوب نامیده می شود. شواهد بر جا مانده از زبان تورکان بلغار، همانند زبان تورکان خزر (خزه ر) نامهای جایها و اشخاص در فهرست شاهزادگان بلغاری و چند «گور نوشته» و کلمات و القاب و اسامی و وامواژه ها در زبان اسلاونیک یعنی شکل قدیمی زبان بلغاری امروز (اسلاوی) است. متون کوتاه اما منسجم کتیبه های تورکی سنگ مزارهای بلغار ولگا که به خط عربی نوشته شده، از مهمترین مدارک زبان شناختی در باره زبان آنها و بررسی گذشته زبانشان محسوب می شوند. امروزه با توجه به کتیبه های کشف شده در سرزمین بلغارهای کرانه رود دانوب معلوم شده است که زبان بلغارها به زبان معاصر چوواشها نزدیک، و جزو زبانهای تورکی غربی بوده و به گروه زبانهای اغوز - پچناک تعلق داشته است.

سمبلهای ترکی در سنگ قبرهای آذربایجان

بنا به مشهور، پدیده سنگ قبر به شکل امروزی آن نخستین بار از طرف موسویان باستان آغاز شده است. در آغاز سنگ قبرها عبارت از سنگهای صاف (به ترکی سال و یا یاسسی داش) بود که بر روی قبر انداخته می شد. بعدها در طرف سر قبر (باش داشی) سنگهای نقش دار (تیکیلی سوسلو داشلار) نصب شدند. در قرون اخیر در بسیاری نقاط در طرف پای قبر (آباق داشی) نیز سنگی نصب میشود. فرهنگ اسلامی در آغاز ساختن قبر همیشگی را گناه شمرده و تنها برای اینکه پس از دفن، حیوانات وحشی جسد را از خاک بیرون آورده و متلاشی نکنند، به گذاشتن سنگی بر روی خاک مساعده شده است. اما این قواعد در میان ترکها از رغبت و قبول برخوردار نشده و فرهنگ مزار ترکی پیش از اسلام، پس از آن نیز ادامه پیدا کرده است.

در مزارهای آذربایجان آثار دو فرهنگ تورکی و آذربایجانی پیش و پس از اسلام دیده می شود. نمونه های زیر آثار فرهنگ تورکی پیش از اسلام در مزارها و سنن قبرهای ترکان آذربایجانی بشمار می روند:

قورقان: مدنیت قورقان در آذربایجان در هزاره های ۳-۴ قبل از میلاد آغاز شده است. در این دوره در آذربایجان گروه‌های پروتوتورک می زیسته اند. در عصر جدید مدنیت قورقان با نام اوغوز خاقان مرتبط شمرده شده است. طبق روایات و افسانه های آذربایجانی اوغوز خاقان در کشورهایی که فتح می کرده امر به ساخت قورقانه‌ها و یا تپه های مرتفع می داده است. محمد حسین خلف تبریزی مولف برهان قاطع در اثر خود هنگام ریشه شناسی نام آذربایجان به قورقانه‌های تورکی اشاره نموده است. وی نام آذربایجان را نیز از همین تپه های مرتفع و یا قورقانه‌ها که به امر اوغوزخان برپا شده اند دانسته است. به گفته وی نام آزر در تورکی قدیم به معنی جای مرتفع است. امروزه در اوکراین نیز به قورقانه‌های تورک، اغوز گفته می شود، از طرف دیگر قورقانه‌های از این نوع در آذربایجان "اوغوز قبیبرلی" نامیده می شوند. فرمی از کلمه قورقان در ترکی امروزی در زنجان آذربایجان و به شکل قورلاماق به معنی دفن کردن محافظه شده است. (در تیکان تپه -تکاب آذربایجان دژی بنام ساری قورخان وجود دارد). از قورقانه‌های مشهور آذربایجان، قورقان موجود در مجید تپه تیکان تپه (تکاب) و همچنین در شرق آذربایجان در نواحی نمین و تالش (آق ائولر، تاش کؤپرو، ...) است.



بالبال: حفريات باستانشناسی نشان می دهند که رسم و سنت بالبال در آذربایجان به طور پیوسته تا آغاز قرن بیستم به حیات خود ادامه داده است. در قرون وسطی مجسمه دلاور متوفی و یا کشته شده به عنوان سمبل شجاعت و بیباکی، جای خود را به مجسمه های قوچ و شیر داده است. امروزه نیز علاوه بر قوچ و شیر و .. مجسمه های انسانی و عکسهایی که در مزارهای آذربایجان دیده می شوند، فرم معاصر بالبالهای ترکی شمرده می شوند. فرهنگ بالبال بویژه در میان ایلات ترک آذربایجانی ساکن در جنوب ایران مانند قشقایی ها به شکل نقش کردن صورتهای آنتروپومورفیک

(انسانی)، زوومورفیک (حیوانی، بویژه قوچ و شیر)، کوسمیک (خورشیدی...) زنده نگه داشته شده است (عکس فوق). کاربرد سمبولهای کوسمیک مانند خورشید و ماه در میان تورکان باستان از جمله تورکان هون تمثیلگر تنگری و یا خدای تورکان بوده است.

تیکیلی داش: در نقاط گوناگون آذربایجان به تیکیلی داشها و یا ستونهای بلند مزارها از جمله در تبریز (پیری شیروان)، توفارقان (بادامیار قبرستانی)، اورمو (بند کندی) و شکی (یوخاری باش اسکی مزارلیغی) برخورد می شود. در روستای بند اورمیه، قبرستان شهدای عثمانی وجود دارد. اینها مزارهای سربازان عثمانی می باشند که در سالهای ۱۹۱۸ به هنگام قتل عام ترکان آذربایجان جنوبی از سوی ارمنیان به کمک ترکان آذربایجان شتافته و در آنجا شهید شده اند. بر مزار این شهدا ستونهایی به ارتفاع دو متر برپا شده است.

تربه های چادری شکل: تربه های چادری شکل که در زمان ترکان سلجوقی نیز بسیار رایج بوده است، نمود دیگری از ردپای فرهنگ ترکی در مزارهای آذربایجان است. در دوره سلجوقیان آذربایجان و آناتولی، مساجد و

تربه های بسیاری از بزرگان دینی و سیویل به شکل گؤی-یورد-چادیر ترکی ساخته شده اند. امروز هم در آذربایجان، اگرچه در موارد نادری، تربه هائی به شکل چادر و یوردهای ترکان آسیای میانه یافت می شود.

فیگورهای حیوانی: از مهمترین ردهای باورها و ادیان ترکی باستان در سنگ مزارها، کاربرد فیگورهای حیوانی مشخصی در آنها است. هر چند در فرهنگ اسلامی نقش فیگورهای انسانی و حیوانی ممنوع بوده است، در مزارهای آذربایجان اینگونه اشکال در ادامه فرهنگ تورکی پیش از اسلام به وفور دیده می شوند. در تاریخ تورکان مسلمان نیز بویژه از دوره سلجوقیان فیگورهای کوزمیک، هندسی، گیاهی و حیوانی بکار رفته است. فیگورهای حیوانی بکار برده شده مانند قوچ، اژدها، انواع پرنده (عقاب، قوش)، شیر، گرگ، ماهی، اسب، طاووس و ... عموماً اونقون (توتم) طوایف و اقوام تورک بوده اند. اکنون در آذربایجان و حتی در گستره بزرگتر قلمرو دولت ترکی آذربایجانی قاراقویونلو، بر سر مزارهای آنها به مجسمه های سنگی متعدد قوچ که سمبل و توتم آنها بود، برخورد می شود. سنگ مزارها با فیگورهای حیوانی شیر و قوچ و ... در میان ایلات ترک آذربایجانی مانند قشقائی نیز بسیار رایج است.

مجسمه، عکس و نقشهای دیگر: محققین سنگ مزارهای آذربایجان را در مقوله بالبالهای ترکی باستان دسته بندی کرده اند. به عقیده این محققان، مجسمه شخص متوفی در مزارهای امروز آذربایجان، معادل بالبالهای تورکهای باستان است. این محققان کاربرد عکس متوفی در سنگ مزارها را نیز وئرسیون مدرن بالبالها دانسته اند. مورد دیگر، نقش اشیائی بر سنگ قبرها مربوط به شغل، مسلک و حرفه متوفی است. مانند صحنه های ضیافت و شکار در سنگ قبرهای تورکان گؤک تورک و شمشیر و سپر، تیر و کمان بر سنگ قبرهای نظامیان، و یا نقش قوپوز (ساز) در مزار آشیقها در اورمیه، سالماس، قاراباغ و

نوشته های ترکی و هلال ماه و ستاره: از مهمترین نشانه های هویت ترکی بر مزارها می باشند که در زیر به آنها به طور جداگانه اشاره شده است.

هلال ماه و ستاره

سمبل ماه و ستاره (آی اولدوز) نشانه مسلمان و هم چنین ترک بودن متوفی است. پس از استقلال آذربایجان و با توجه به وجود هلال ماه و ستاره در پرچم این کشور و هم چنین ترکیه، این سمبل بار هویتی ملی و سیاسی جدیدی پیدا نموده است. ستاره پنج گوش به همراه هلال ماه از دوران گؤک تورکها سمبل تورکان بوده و در سده های اخیر با ظهور امپراتوری عثمانی همچنین به سمبل اسلام تبدیل شده است. ستاره هشت پر، سمبل تورکان سلجوقی و همچنین برخی از اقوام و سلسله های ایرانی باستان است. با توجه به تاثیر پذیری عمیق سلجوقیان از فرهنگ ایرانی، محتمل است که آنها ستاره هشت پر خود را از فرهنگ ایرانی اخذ کرده باشند.

در سالهای اخیر همگام با بازگشت به هویت ترکی و ترک تعصبات مذهبی، کاربرد سمبل ملی هلال ماه و ستاره در میان ترکان ایران و آذربایجان جنوبی در اعلامیه ها و سنگ قبرها و ... بسیار رایج شده است. به موازات آن، حساسیت مقامات و نهادهای فارس‌گرای جمهوری اسلامی به این سمبل ترکی نیز افزایش یافته است، تا چند سال پیش در مناره بقعه سید حمزه در تبریز در کنار مقبره الشعرا هلال ماه و ستاره ای همانند هلال و ستاره مساجد ترکیه و جمهوری آذربایجان وجود داشت. ولی اکنون از این حلال و ستاره خبری نیست، گویا نهادهای دولتی جمهوری اسلامی، علامت ماه و ستاره موجود در مناره را احتمالاً به این دلیل که در پرچم های آذربایجان و تورکیه نیز ماه و ستاره وجود دارد نتوانسته اند تحمل کنند.

در ایران، آذربایجان، ترکیه و عراق برخی از ترکان جعفری و علوی برای تاکید بر هویت مذاهب خود از سمبلهای خاص استفاده می کنند. این سمبلها که عموماً برای هر دو مذهب علوی و جعفری یکسان است، عبارتند از: نام بردن از اهل بیت (حض. محمد، علی، حسن، حسین و فاطمه)، نقش عباراتی مانند یا علی مدد و استفاده از شکل دست چپ به عنوان سمبل این پنج تن. (گویا در این دست، مچ خدا، انگشت بزرگ حض محمد، اشاره حض علی، میانه حض فاطمه، انگشتی و کوچک حسن و حسین را تمثیل می کند).

نکته قابل ذکر دیگر تاکید ترکان علوی (قزلباش و یا اهل حق) بر کاربرد زبان ترکی در مزارها و مراسم دینی شان است. این نکته بر خلاف فرهنگ شیعیان امامی می باشد که به شدت تحت تاثیر فرهنگ مذهبی فارسها قرار دارند. نوشتن سنگ مزارها به زبان ترکی در میان ترکان علوی آذربایجان حتی در دوره پهلوی نیز بسیار رایج بوده است. یکی از نمونه های اینگونه سنگ قبرهای ترکی را غلامحسین ساعدی در کتاب ایلخچی خود ذکر کرده است:

بیر پری پیئیکر، ملک صورتلینیندیر بو مزار
گؤر نئجه خاکبیله یئکسان ائله بییدیر روزیگار!

سنگ قبرها، اعلامیه های ترحیم و آگهی های فوت یک ترک، باید به زبان ترکی باشد

در فرهنگ اسلامی بی نوشته بودن سنگ قبرهای بالا و پائین مقبول تر و مقدستر است. حتی در این فرهنگ، سنگ قبرهای اشخاص زاهد ترجیحا بدون نوشته است. در میان ترکان کوچنده نیز به عنوان یک اصل، مزارها بدون نوشته و به صورت تیکمه داش بوده اند. درج نوشته بر سنگ قبرها یکی از نتایج گسترش شهرنشینی است. پس از آن، در عهد دولتهای تورکی تنها سنگ قبرهای جلادان بدون نوشته بود.

در ایران امروز با تبدیل سنگ قبرهای ترکان و آذربایجان به سنگ قبرهای فارسی عاری از هر گونه نوشته و نشانه ترکی، در پشت پرده پروژه ای دراز مدت از طرف فارسها در حال اجراست. این پروژه عبارت است از ایجاد

هویت‌ی فارسی برای تاریخ ترک و گذشته آذربایجان و بر مبنای آن ادعای تملک ارضی بر هر دوی آنها در آینده. از همین روست که می‌بایست به ترکی نویسی سنگ‌های قبر توجه و اهتمام کافی ورزید. در این رابطه:

- آگهی‌های فوت، اعلامیه‌های ترحیم، تعزیه (یاس)، ختم و ... ترکان می‌باید به زبان ترکی باشد.
- سنگ قبرهای ترکان در هر کجای کشور که باشند، مطلقاً می‌بایست به زبان ترکی نویسانده شوند.
- ترکی نویسی سنگ قبرهای ترکان نمی‌باید به آذربایجان جنوبی محدود باشد، تمام ترکان در سراسر ایران می‌باید سنگ قبرها را به زبان ملی خود ترکی بنویسند.
- می‌باید که تمام سنگ‌نوشته بویژه قسمت نثر و مشخصات متوفی به زبان ترکی باشد، نباید صرفاً به درج شعری ترکی در سنگ قبرها بسنده شود
- در صورت مخالفت مسئولین با سنگ قبرهای ترکی، نباید به راحتی از این امر گذشت، باید با تمام امکانات به این محدودیت و ممنوعیت اعتراض کرد، از چنین محدودیتهایی به مراجع صالحه شکایت نمود و این شکایتها را -حتی اگر امیدی به دادخواهی نیز نباشد- با جدیت تعقیب کرد.
- محدودیتهای دولت در نوشتن سنگ قبرهای به زبان ترکی می‌باید به طور گسترده در گزارشهای حقوق بشری انعکاس یابد.
- در صورت امکان می‌باید بخشی از نوشته‌های ترکی - اقلان نام متوفی - به خط لاتینی ترکی نیز نوشته شود
- در نوشته‌های ترکی می‌باید به درست نوشتن کلمات و املاء فوننتیک آنها دقت فراوان مبذول داشت.
- در نوشته‌های ترکی حتی المقذور می‌باید از بکار بردن کلمات فارسی و عربی رایج در فارسی اجتناب کرد.
- در آگهی‌های فوت، اعلامیه‌های ترحیم، و سنگ قبرهای ترکان می‌باید نام زنان و دختران، و نواده‌های مونث و نیز مانند مردان و پسران، آشکارا ذکر شوند.
- ایلیگون و یا تاریخها ترجیحاً می‌باید هم به صورت شمسی (گونه ش ایلی) و هم میلادی (دوغوش ایلی) حرفی و با ذکر ماه و روز عددی ذکر شوند.
- در صورت امکان می‌باید از سمبولهای ترکی و آذربایجانی در اعلامیه‌های ترحیم، آگهیهای فوت و سنگ قبرها استفاده نمود مانند هلال ماه و ستاره، سه رنگ پرچم ملی آذربایجان، و کاربرد مجسمه‌های بالبال گونه در مزارها و...
- ذکر سال بنا به تقویم ترکی دوازدهگانه حیوانی بسیار شایسته است.

آناتومی یک سنگ قبر ترکی

- ۱- ماه و ستاره [علامت اسلام و ترکیت]/ دست چپ [علامت تشیع]
۲- اولو تانرینین آدی ایله/ تانرینین آدینان/ هامی تانرییا قاووشاقدیر....
۳- هو الباقی/ الحی/ هو الحی/ الخلاق/ هو الحی الباقی/ هو الخلاق الباقی/ یاھو/ هو/ هوالمعین/ آه من الموت [در باره دختران و زنان جوان]...
۴- تانری قالجیدیر/ تانری قالارقیدیر/ تانری منگیدیر/ تانری دیری و قالجیدیر/ تانری یاراتقانیدیر/ تانری یاراداندیر/ تانری کؤمه کچیدیر/...

- ۱-۵- باغیشلانمیش [رحمتلیک]/ سویورقانمیش [مغفور، مغفوره]/ اسیرگه نمیش [مرحوم، مرحومه]/ یارلیقانمیش
۱-۶- حئیدر و فاطما اوغلو
۱-۷- توغرول به ی گمیچی'نین
۱-۸- سون ائوی، سون یوردو

و یا

- ۲-۵- بورادا یاتییدیر [مدفوندور]
۲-۶- بیرجه قیزیمیز/ گنج اوغلوموز/ سئوگیلی آنامیز/ وارلیغیمیز آتامیز/ سئویملی ائشیم/ ائویمیزین بؤیویو/ سایین باجاناغیمیز/...
۲-۷- جلال و فاطما قیزی
۲-۸- سونا خانیم قیلیچخانلی

- ۹- دوغوم/ دوغومو/ دوغوم ایلی/ دوغولدوغو ایلی: گونه ش ایلی، دوغوش ایلی...
۱۰- اؤلوم/ اولومو/ دونیاسینی ده بیشدییی ایلی/ تورپاغا دوشدیویو/ کؤچدیویو/ اوچدوغو/..
۱۱- [تورکجه یازی-قوشوق (شعر)]
۱۲- روحونا فاتیحه/ روحونا الفاتیحه/ روحو اوچون فاتیحه/ روحو اوچون الفاتیحه/ فاتیحه ائحسان ائيله/ ائيله روحوما فاتیحه/ فاتیحه اوخویون روحونا/ منه ائيله بیر فاتیحه/
۱۳- [تاریخ/ ایلايگون].... گونه ش ایلی، دوغوش ایلی

سین داشی یازیتی (اوچونجو اؤرنه ک)	سین داشی یازیتی (ایکینجی اؤرنه ک)	سین داشی یازیتی (ایلک اؤرنه ک)
<p>آی اولدوز</p> <p>تانرینین آدینان آه من الموت تانری دیریدیر</p> <p>یارلیقانمیش [مرحومه]/ سویورقانمیش [مغفوره]</p> <p>دونیانین چیچک باخچاسیندا بیر قونچا ایکن اجل یئلینین خزان ائيله دییی</p> <p>بیرجه قیزیمیز سارا آغداش ین سون یوردو</p> <p>دوغوم ایلی: تورپاغا دوشدویو ایل:</p> <p>[تور کجه یازی - قوشوق] فاتیحه اوخویون روحونا ... گونه ش ایلی - ... دوغوش ایلی</p>	<p>آی اولدوز</p> <p>هامی تانرییا قاووشاقدیر یا هو! تانری یاراتقاندیر</p> <p>بورادا یاتییدیر اسیرگه نمیش [مرحومه] سئوگیلی آنامیز</p> <p>جلال و فاطما قیزی سونا خانیم قیلیچخانلی</p> <p>دوغولدوغو ایل: دونیاسینی ده ییشدییی ایل:</p> <p>[تور کجه یازی - قوشوق] روحو اوچون فاتیحه ... گونه ش ایلی - ... دوغوش ایلی</p>	<p>آی اولدوز</p> <p>اولو تانرینین آدی ایله هوالباقی تانری منگیدیر</p> <p>اؤیمیزین بؤیویو / وارلیغیمیز آتامیز باغیشلانمیش [رحمتلیک]</p> <p>حئیدر و جئیران اوغلو توغرول به ی گمیچی ین سون ائوی</p> <p>دوغوم: اؤلوم:</p> <p>[تور کجه یازی - قوشوق] روحونا فاتیحه ... گونه ش ایلی - ... دوغوش ایلی</p>

در سنگ مزارهای ترکی به جای حادثه مرگ معمولاً تعابیر مجازی زیر بکار می رود: یوخ اولماق، یوخالماق، اوچماق، اوچارماق، اؤلمک، آیریلماق، گئتمک، کؤچمک، سولماق، سارارمیش قورو یارپاق اولماق، تورپاغا دوشمک، اجل شربتینی ایچمک، اجل شربتینی ایچمیشدیر، اجلین اوخونا اوغراییدیر، گنج یاشدا اجلین آغینا دوشموشدور، اجل آمان وئرمه میشدیر، دونیانین گول باخچاسیندا بیر قونچا ایکن اجل یئلی اونو خزان ائيله میشدیر، گنج یاشدا اجل پئیمانہ سی دولموشدور، اجل نشتیرنه دوشموشدور، ...

در برخی از سنگ قبرها در باره شهیدان اشعاری از محمد عاکیف نوشته شده است:

ائی بو تورپاقلار اوچون تورپاغا دوشموش عسکر
گوئیدن اجداد اینه ره ک اوپسه او پاک آلی، ده یه ر

برای نمونه های دیگر به آخر این نوشته مراجعه کنید.

سنگ قبرهای ترکی میراثی است که از ما به فرداهایمان خواهد ماند.

سنگ قبرها اوراق تاریخند، صفحه های ادبیات و کتابهای کتابخانه ای سنگی اند که از گذشته به امروز رسیده اند. قبرستانها ثروتی بزرگ، حاوی اسناد تاریخی و آثار هنری فراوان می باشند. قبرستانها موزه و سنگ قبرها نیز یادبود کسانی که در آنجا آرمیده اند، و دلیل برای اثبات وجود آنهاست. از آنها می توان سرنخهائی در باره هویت و شخصیت متوفا بدست آورد. سنگ قبرها، گاهی اوقات منعکس کننده یک تاریخ، یک مویه، و بسیاری اوقات نیز پژواکی غمناک و تلخ از زبان متوفی است. با خواندن هر سنگ مزار می توان به دنیای درونی متوفی و بازماندگانش، جهانبینی آنها، و حتی به پرتو عمومی خانواده، شهر، اجتماع و یا دوره وی، به چیزهایی که آنها اهمیت می داده اند پی برد. اینها منبعی برای علوم اجتماعی، سند و در عین حال خارقه ای هنری مرکب از سخن و نقش در آغوش طبیعت اند. سنگ مزارهای ترکان نیز، هم به لحاظ ساخت و طراحیشان و هم از جنبه نوشته های ترکی بر روی آنها، منعکس کننده دنیای درونی، ذوق و تفکر انسان ترک است. سنگ مزارهای ترکان بسیار بیشتر از یک سنگ قبر صرف بودن، آئینه تمام نمای درک ترکان از زندگی می باشند. در این سنگ مزارها، آداب و رسوم و سنن نیز جای خود را دارند. مانند گذاشتن سرپوش بر مزار مردان، گلها و یا جواهرات گوناگون پیشانی و گردن بر مزار بانوان و دختران که نشان از لطافت و ظرافت آنها دارد، و یا گذاردن دوواق بر تابوت و ساختن سنگ قبر دختران جوان فوت کرده به شکل دوواق، و یا حک کردن غنچه گل شکسته شده بر آنها. ظرافت و عمقی که در سنگ مزارهای ترکان دیده می شود، این ادعا که ترکان صرفاً ملتی جنگجویند را باطل می سازد.

سنگ مزارهای ترکان ایران و آذربایجان نیز می باید به عنوان اثری هنری و قبرستانهای ترک و آذربایجانی می باید به شکل موزه های روباز تلقی شوند. از همین روست که از طراحی سنگ مزارها، تا نقش و نگارهای حک شده بر آنها و متون و اشعار ترکی شان همه می بایست مانند گذشته - علاوه بر اطلاعات شخصی در باره کسی که در آن مزار آرمیده است - در باره هویت ملی او، وطن آذربایجانی و ملت ترک نیز معلومات دهند.

نمونه هائی از سنگ مزارهای ترکی در آذربایجان

اهمیت و ارزشهای فرهنگی که در سنگ مزارها نهفته است اخیرا از طرف ترکان ایران کشف شده است. و به موازات آن انفجاری در نوشتن سنگ قبرها به زبان ترکی در سراسر آذربایجان بویژه استانهای مرکزی، آذربایجان غربی، زنجان و تهران مشاهده می شود. در زیر نمونه هائی از سنگ قبرها که به زبان ترکی نوشته شده اند آورده می شود:

بوتونویله تور کجه یازیلیمیش، آی اولدوزلو اؤرنه ک بیر سین داشی - اورمو



گنج اورمولو قوشارین، تور کبه سین داشی

LAÇIN

[آی اولدوز]

هامی تانرییا قوووشاقدیر

آذربایجان ین گنج میللیتچی شاعیری

اسماعیل کریم زاده اصل

ذولفعلی اوغلو

دوغوم گونو: ۲۱-۸-۱۳۶۰

دونیا ده بیشمه سی: ۱۱-۱۲-۱۳۸۳

ان سونوندا اولومدور سئوگیلیم

ایسته ر

بیرتیجی اللرده اولسون

ایسته ر

گؤزلرینین ایسلاق یاتاغیندا

ان سونوندا اولومدور سئوگیلیم

اولو تانرینین آدیله

گنج حکیملیک اویره نجیسی اشرف خانیم ذاکری نین
سون ائوی

دوغوم گونو: ۱۲-۹-۱۳۴۸

اؤلوم گونو: ۱۶-۲-۱۳۷۳

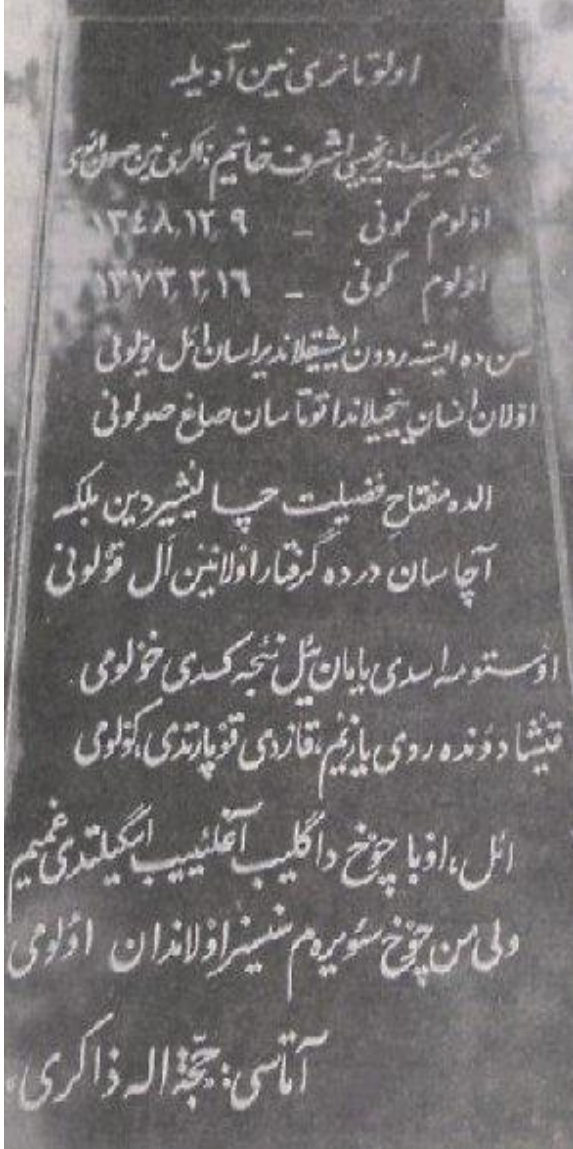
سن ده ایسته ردین ایشیقلا ندیراسان ائل یولونو
اولان اینسان بیخیلاندا توتاسان ساغ سولونو

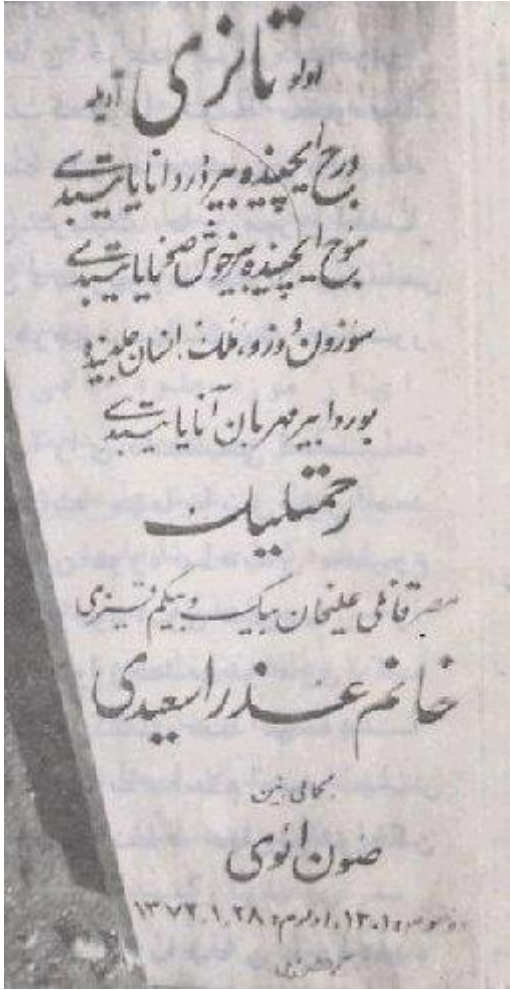
الده میفتاح-ی فضیلت چالیشیردین بلکه
آچاسان درده گیریفتار اولانین ال قولونو

اوستومه اسدی یامان یئل، نئجه کسدی خولومو
قیشا دؤنده ردی یازیم، قازدی قوپارتدی کولومو

ئل اوبا چوخ دا گلیب آغلابیب اسکیلتدی غمیم
ولی من چوخ سؤیره م سنسیز اولاندا اولومو

آناسی: حجه اله ذاکری





اولو تانری آدیله

بورچ ایچینده بیر دوردانا یاتیبدیر
 مووج ایچینده بیر خوش سونا یاتیبدیر
 سوزون دوزو، ملک اینسان جیلدینده
 بوردا بیر مئهر بیان آنا یاتیبدیر

رحمتلیک

میسیر قانلی علیخان به یگ و به یگیم قیزی
 خانیم عذرا سعیدی
 کمالی نین

سون انوی

دوغوم: ۱۳۰۱، اولوم: ۲۸-۱-۱۳۷۲



(سون یوردو)

مرحوم مشهدی براتعلی مجیدزاده نین همیشه لیک ائوی

۱۲۵۲ شوالیندا اردبیل ین ۶ آغاجلیغی نیر قصبه سینده
دوغولوب و ۱۳۸۷ هجری محررمین اون دوردونده
اولو تانری رحمتینه قاووشدو

ائی دده گره ک آغلائییم
سن اوچون اوره ک داغلائییم
بو فلک بیزی آبیردی
اوناییر ده بئل باغلائییم؟

حکیم تئلیم خان 'ین مزاردashi-مرغئی-ساوه-آزربایجان

حکیم تئلیم خان 'ین مزاردashi 13/5/85 ده مرهغئی کندینده کند آغ ساققال لاری نین تشببوئو ایله و تئلیم خان 'ین شاعرلری اوزره چالیشان موهندیس امیری به بین ایش بیرلی بی ایله یئنی له نیب دیر.



سین داشی یازیتی:

بیله نلر بیلسینلر، من تئلیم خان 'ام
بیلمه یه نلر بیلسین، گووه ره م، کانام
ساکین-ی مرغئی 'ه م، اصل تورکمان 'ام
گزه گزه بو جاهاندان گلیره م

تئیمور خان اوغلو

حکیم تئلیم خان

دوغوم ایلی: 1126 گونه ش ایلی (ه.ش)
اؤلوم ایلی: 1209 گونه ش ایلی (ه.ش)

اؤلکه میز عراق 'دیر، شهریمیز ساوا
مزله قان چاییندان گو تور دوم هاوا
عاشیقار دردینه ائيله ره م داوا
من طبیبه م، هیندوستان 'دان گلیره م

چند کلمه ترکی مربوط به فوت و امور دینی:

ترکان باستان به خدا "تنگری"، به مراسم خاکسپاری "یوغ"، به تربه مزار "قورقان"، به مجسمه مزار "بالبال" و خادمان دینی "قام" می گفته اند. در زیر معادل ترکی چند کلمه مربوط دیگر در زبان فارسی آورده می شود. شایسته است نویسندگان و شعرا و اهل قلم، کلمات اصیل ترکی زیر را به جای کلمات فارسی دخیل در زبان ترکی که استقلال و هویت این زبان را تهدید و مخدوش کرده است بکار برند:

مزار: سین Sin، سینه Sinə، سینله Sinlə. در جامع التواریخ قرن هفده گفته می شود که در زبان ترکی سینله منحصر برای نامیدن قبر کفار و مزار برای نامیدن قبر مسلمانان بکار می رود. به نظر می رسد تشابه کلمه ترکی سین به معنی مزار با کلمه سینوس لاتین به معنی شکاف و شیار حادثه ای تصادفی است.

قبر، گور، مقبره: باساغا Basağa، یئرچو Yerçü، توبلو(ق) Tubluq، توپلو Tuplu، سوکی Söki، قوم Qom، توکه Tükə، قوموا Qomva

مزار تاریک: تونه ریک Tünərik، تونه Tünə، تونه ره ک Tünərək، قارایئر Qarayər، قارا دام Qaradam، قارا اورون Qaraorun

مدفن: گو موت Gömüt، گو مه ج Göməc، گو مگه ن Gömgən، گو مدو Gömdü

تربه: قورقان Qurqan

آرامگاه: یاتیر Yatır

آرامگاه ابدی: منگی یاتیر Məngi Yatır، اور که ن یاتیر Ürkən Yatır (اور که ن: همیشگی)

مرقد، بقعه: قورقان ائو Qurqan Ev

قبرستان: اؤلولوک Ölülük، سینلیک Sinlik، سینلاق Sinlaq، سینلک Sinlək، گو موتلوک Gömütlük.

گورکن: گو موتچو Gömütçü، سینچی Sinçi

گورکنی: گو موتچولوک Gömütçülük، سینچیلیک Sinçilik

سنگ قبر: سال Sal (سنگ مسطحی که بر روی قبر گذاشته می شود)

مجسمه قبر: بالبال Balbal

کتیبه سنگ قبر: سین یازیتی Sin yazıtı

ستون یادبود، ستون مزار: تیکمه داش Tikmə daş، تیکیلی داش Tikili daş

سنگ عمودی مزار: تیکیت Tikit

سنگ سر مزار: باش داشı Başdaşı

سنگ پای مزار: آیاق داشı Ayaqdaşı

مرگ: اؤلوم Ölüm

اجل: قارایازی Qarayazı، قارادوه Qaradəvə، قاراچرخین Qaraçixın، قارایول Qarayol

جنازه: اؤلوک Ölük

نعش: اؤلوت Ölüt

مردده: اؤلو Ölü

پارچه ابریشمی روی قبر: ائشیک Eşik

تابوت: قابساق Qapsaq, قابیرجاق Qabırcaq

تخته حمل تابوت: سالاجا Salaca

ولادت، متولد ...: دوغوم Doğum, دوغومو Doğumu, دوغوملو Doğumlu

وفات، فوت: اولوم Ölüm, اولومو Ölümü

فرزند: اولو Oğlu, قیزی Qızı

عزا: یاس Yas

تعزیه: یاس توره نی Yas Törəni

مرثیه: یاخیم Yaxım, یاخما Yaxma, آغیت Ağıt, آغی Ağı (آغیت: ذکر محاسن و نیکی های متوفی و

الم و حرمان ناشی از دست دادن وی به شکل منظوم و طبق مقامی مشخص، بیشتر از طرف زنان در مرگ

اشخاص مشهور و یا آفات اجتماعی گفته می شود. از مشهورترین آغیتهای ترکی، آغیت آلپ ار تونقا است).

نوحه: ساغو Sağu (ساغوها که در مراسم یوغ گفته می شده اند متناسب با خصوصیات متوفی بوده اند).

نوحه خوان: سیغیتچی Sığıtçı, ساغیتچی Sağıtçı

مویه گری: اوخشاما Oxşama

مراسم عزاداری: یاس توره نی Yas Törəni

اعلامیه فوت، آگهی مرگ: اولوم دیوروسو Ölüm Duyurusu, اولوم بیلدیرسی Ölüm Bildirisi

ترحیم: یوغ Yuğ, قوراق Qoraq, اه یله شیم Əyləşim

مجلس ترحیم: یوغ توره نی Yuğ Törəni, اه یله شمه Əyləşmə

شرکت کنندگان در مجلس ترحیم: یوغچو Yuğçu

مرحوم: سویورقانمیش Suyurqanmış

رحمت کردن: سویورقاماق Suyurqamaq

رحیم: سویورقان Suyurqan

مرحوم، مرحومه: اسیرگه نیش Əsirgənmiş, باغیشلانمیش Bağışlanmış

سویورقانمیش Suyurqanmış

مغفرت، آمرزش: یارلیقاماق Yarlıqamaq

مغفور، مغفوره: یارلیقانمیش Yarlıqanmış

مهربان: سئویتلی Sevitli, پدر مهربان: سئویتلی آتا Sevitli Ata

فداکار: اؤزورئیلی Özverili, یولوقچو Yoluqçu

بزرگ خاندان: اوسون بؤیویو Usun Böyüyü, اوسونون باشی Usunun başı

پدر بزرگوار: اولو آتا Ulu Ata

محترم، گرامی: سایین Sayın, سایقılı Sayqılı

روحت شاد، روحش شاد: تینی، تینین سئوینجلی اولسون! Tini, Tinin Sevincli Olsun
 روح: اؤزوت Özü, سونه Süne, قوت Qut, سور سالقین Sür Salqın, تین Tın, کؤرمؤس Körmös.
 یولا Yula, اؤزقونوق Özqonuuq
 آڭهی، اعلان، اعلانیه: دویورو Duyuru
 اعلامیه، اطلاعیه، بیانیه: بیلدیری Bildiri
 آڭهی ترحیم: یوغ دویوروسو Yuğ Duyurusu
 ابراز همدردی: باش ساغلیغی دویوروسو Bassağlığı Duyurusu
 اعلامیه ی تشکر: ساغ اولون دویوروسو Sağolun Duyurusu
 خانواده: اوسون Usun
 خانوادههای داغدار: یاسلی اوسونلار Yaslı Usunlar
 اقوام: قودالار Qudalar
 خویشاوندان، فامیلها: یاسونلار Yasunlar
 بازماندگان: قالانلار Qalanlar
 نزدیکان: یاخینلار Yaxınlar
 آشنایان: تانیشلار Tanışlar
 داغداران: یاسلیلار Yaslılar
 دوستان: یولداشلار Yoldaşlar, آرخاداشلار Arxadaşlar
 همسایگان: قونشولار Qonşular
 وابستگان:
 منسوبین:
 شادروان:
 ناکام:
 مجلس ترحیم زنانه: قادینلار اوچون یوغ Qadınlar üçün yuğ, قادین اه یله شمه سی Qadın
 Əyləşməsi
 وصیت: توتروق Tutruq, توتسوق Tutsuq
 وصیت کردن: توتورماق Tuturmaq
 میراث: قالیت Qalıt, آندیر Andır
 ایمان آوردن: بوتمک Bütmək
 دین: بوته م Bütəm

Bütəmsəl : بوته مسه ل
Kirtin : مذهب: كيرتين
Sürək : طريقته: سوره ك
Bütəmsiz : بيدين: بوته مسيز
Bütəmli : بادين: بوته ملي
Bütgün : ديندار: بوتگون
Bütgən : مؤمن: بوتگه ن
Kökdənçi : بنيادگرا: کؤكدنچی
Kökdən Bütəmçi : بنيادگرای دينی: کؤكدن بوته مچی
Qaradonlu : روحانی: بوته م ار Bütəmər, توپین Toyın, قارادونلو
Bütəmərک : حکومت روحانیان: بوته م ارک
Çıxaq : ماخذ: چیخاق
Tanrı bilim : الهیات: تانری بيلم

Yazıqlı : خطاي شرعی: آرینچی Arınçı, یازیق
Yazıqlı : گناهکار: یازیقلي
Süç : خطاي عرفی, جرم: سوچ
Ediz : حضرت: ائدیز
Örtgən : کافر: اورتگه ن

Yegev : مکان مقدس: یئگ ائو
Görüşgə : زیارتگاه: گؤروشگه
Görüş : زیارت: گؤروش
Yükünlük : مسجد: یوکونلک Yükünlək, یوکونجلوک
Sivrən : مناره: سیوره ن
Tümsə : منبر: تومسه
Sunaq : محراب: سوناق
Qanşarda : امام جماعت: قانشاردا
Yuarın : وضو: یوآرین (یو+آرین)
Yuarınmaq : وضو گرفتن: یوآرینماق

غسل: چیم آرین Çımarın (چیم. +آرین).

غسل کردن: چیم آرینماق Çımarınmaq

طهارت: آرینیم Arınım

اذان: اونده Ündə

موذن: اونده چی Ündəçi

اذان گفتن: اونده مک Ündəmək

امام: باشرا Başra

مرجع تقلید: یانسی چیخاگی Yansı Çıxağı

مقلد: یانسیق Yansıq، یانساق Yansaq

نماز: یوکون Yükün، یوکونج Yükünc

سجده: یوکنو Yüknü

قربان: آداق Adaq

بدعت: قوندارتی Qondartı

بدعتگزار: قوندارتان Qondartan

روسری اسلامی: بورگو Bürgü

تفرانس، مدارا، تسامح، تساهل: دۆزون Dözün

تفرانت: دۆزونلو Dözünlü، دۆزگون Dözgün

سکولاریزم: بوندالیق Bundalıq

سکولار: بوندالی Bundalı

لائسیسیسم: ائدنلیک Eldənlik، ائدن ارک Eldənərک

لائیک: ائدن Eldən، ائدنچی Eldənçi

تئوکراسی، حکومت دینی: اوغان ارک Uğanərک

تئوکرات: اوغان ار Uğanər

سپیده، شفق، سحر: دان Dan

نماز صبح: اثرته یوکونو Ertə Yükünü

نماز ظهر: اوئله یوکونو Öylə Yükünü

نماز عصر: ایکیندی یوکونو İkinci Yükünü

نماز مغرب: آخشام یوکونو Axşam Yükünü

Yatsı Yükünü یاتسی یوکونو نماز عشاء:

Batı غرب: باتی

Günbatar مغرب: گون باتار

Gün Batışı غروب: باتسیق Batsıq، گون باتیشی

Doğu شرق: دوغو

Gündoğar مشرق: گون دوغار

Gün Doğuşu طلوع: دوغسوق Doğsuq، گون دوغوشو

Günəş İli سال شمسی: گونە ش ایلی

Aysal İl سال قمری: آیسال ایل

Doğuş İli سال میلادی: دوغوش ایلی

Köçsəl İl سال هجری: کؤچسە ل ایل

Yeddicə هفته: یئددیجه

Başgün دوشنبه: باشگون

Tozgün سه شنبه: توژگون

Odgün چهارشنبه: اوڭگون

Ortagün پنج شنبه: اورتاگون

Yeygün جمعه: یئیگون

Elgün شنبه: ائلگون

Aragün یکشنبه: آراگون

Ocaq ژانویه: اوچاق ایی

Boz فوریه: بوژ ایی

Çiçək ژوئن: چیچک ایی

Oraq جولای: اوراق ایی

Köç مه: کؤچ ایی

Yelin مارس: یئلین ایی

Qıraçan آوریل: قیراچان ایی

أوگوست: بیچین آبی Biçin
سپتامبر: سیخمان آبی Sixman
اکتبر: اکیم آبی Əkim
نوامبر: اولوسویوق آبی Ulusoyuq
دسامبر: آرالیق آبی Aralıq

ضمیمه: اشعاری از سنگ مزارها

لاچین اوغرونا
افکار قارچیئف (۱۹۷۰-۱۰-۰۲، ۱۹۹۴)
آغلا آنام آغلا
قوی گۆزباشینلا مزاریم اوستونده گولر سولانسین
ائله بیر نعره چک تیتره سین یئر گۆی
غفلت یوخوسوندان خالقیم اویانسین
داغلارین قوینوندا آچان گول ایدیم
سورمایین آ دوستلار، واختسیز سولموشام
آزاد ائتمک اوچون آذربایجان ی
من وطن یولوندا شهید اولموشام

سوس یوخالییر!

زییارتدن مورد دوعادیر
بوگون منه، یارین سنه دیر

بیر چیچک ایدیم دنیادا
آچانمادان قیریلدیم

آغلار سا آنام آغلار
اؤزگه سی یالان آغلار

جاهاندا کیمسه قالماز، جمله فانی

عاقیبت سن ده گلیرسه ن بو صیراطین باشینا
حضرت-ی آدم کیمی گیرسه ن هزاران یاشینا
کیمسه یه باقی دئییلدیر بو جاهان ظلیل-ی خیال
غفلت ایله آلدانیب مئیل ائتمه قلب نققاشینا
عاقیبت اولسان گره کدیر سن ده مؤحتاج-ی دوعا
اوخو بیر قاچ فاتیحه، بخش ائيله دین قارداشینا
ائی برادر باخ منه، یئتمه ز می هئچ عبیرت سنه؟
شمع-ی نامیم بیر نیشان اولدو مزاریم داشینا

بیر گول-ی دونیا ایدییم اصلینده من
ایشته قوندوم خاک-ی قبره من ده تن
بیر وفاسیز، اصلی یوخ دونیا ایمیش
ائيله دیم کام آلمادان ترک-ی وطن
هاردا قالدی بونجا آلایشلاریم
اون سکیز یاشیندا گیبیدیکده کفن
من غریبه م، گلدییم ائی رب-ی غفور
مغفیرت قیل منی، لوظف ائيله سن

بو مزارلار درس-ی عبیرت یئرلری
غفلتی آت، گور اولومو، اولومو
گور نشانسیز یاتان سولطان ارلری
قولاغین آچ، دوی اولومو، اولومو
جان ملکه یی تسلیم آلمیش جانلاری
معمور ایکن ویران اولموش خانلاری
هم چوروموش تورپاق اولموش تنلری
سؤیله شیرلر، بیل اولومو اولومو

یا رب بو نه اولوم، نو ناصیل ظولوم
آه دییب ده آغیر باشلار آغلابیر
چیچه یی بورنوندا، سولان بو گولوم

تورپاغا قاریشان ساچلار آغلابیر

جان دایانیر می بئله بیر زارا
قالدی قییامته منده کی یارا
دور مزارچی، قازما وورما مزارا
سن گورمه زسین داشلار آغلابیر

اؤتمه بولبول اؤتمه باغلار یاسلیدیر
بوگون آردانوشدا چایلار یاشلیدیر
قالان بیر کرمدیر، گنده ن آسلیدیر
اووالار، یایالار، کؤشکلر آغلابیر

افکاری سن غمسیز قالماسین بیر گون
اورتادا بیر تابوت، بو ناصیل دویون
هر کیمین اوزونه باخدیسام بو گون
چکیلیر اوره کلر، ایچلر آغلابیر

(افکاری)

بیز دونیادان گنده ر اولدوق
قالانلارا سلام اولسون
بیزیم اوچون خئییر دوعا
قیلانلارا سلام اولسون

اجل بوکه بئلمیزی
سؤیله تمه یه دیلمیزی
خسته ایکن حالیمیزی
سورانلارا سلام اولسون

تتیم اورتایا آچیلا
یاخاسیز گؤمله ک بیچیله
بیزی بیر آسان وجهیله

یویانلارا سلام اولسون

صیلا وئریله قصدیمیزه
گنده ر اولدوق دوستوموزا
ناماز اوچون اوستوموزه
دورانلارا سلام اولسون

أشیق یونوس سؤیله ر سؤزون
یاش دولدورور ایکی گؤزون
بیلمه یه نلر نه یی بیلمیش
بیله نلره سلام اولسون

گلدی گئچدی عؤمروم منیم
شول یئل اسیب گئچمیش کیمی
هله منه سؤیله گلدی
گؤزوم یوموب آچمیش کیمی

ایشته بو سؤز حاق تانیقدیر
بو جان گووده یه قونوقدور
بیر گون اولا چینخا گنده
قفسدن قوش اوچموش کیمی

بیر خسته یه واردین ایسه
بیر ایچیم سو وئردین ایسه
یارین آندا قارشى گله
حاق شارابین ایچمیش کیمی

یونوس ائمره بو دونیادا
ایکی کیشی قالیر دئرلر
مگر خیضیر ایلیاس اولا
آب-ی حیات ایچمیش کیمی

بیر چیچک ایدیم دونیادا
آچامادان قیریلدیم

یاشادیم دونیادا من ده بیر موددت
ائتدیم باجاردیقجا نئچه نصیحت
مقصدیم وئرمک ایدی دوز یولو نیشان
آلاها تاپشیریب گؤچدوم دونیادان